

خرافه‌گرایی و راه‌کارهای مقابله با آن در اسلام

پریسا اسکندری^۱

چکیده

عنوان مقاله حاضر «خرافه‌گرایی و راهکارهای مقابله با آن در اسلام» است. خرافه به معنای اعتقاد و حکم به وجود شیء یا وجود رابطه علت و معلولی بین پدیده‌ها و اثرگذاری آنهاست که این اعتقاد ناشی از ترس یا جهل و خطا در برداشت از پدیده‌هاست که عقل یا نقل آن را تأیید نمی‌کنند. در کتاب خرافه و خرافه‌زدایی با رویکرد رسانه‌ای نوشته منیره هادی به مفصلاً به خرافه و اقسام و علل آن و نیز آثار سوء خرافه‌گرایی و راههای مقابله با آن از دیدگاه اسلامی پرداخته شده است. در این مقاله پیش‌رو نوع گردآوری مطالب کتابخانه‌ای بوده و از روش توصیفی استفاده شده است. خرافه در دو حیطه فردی و اجتماعی بروز می‌کند و عواملی چون ظن و گمان، تقلید کورکورانه، جهل و نادانی و ... منشأ اصلی پیدایش آن است و پیامدهایی چون شرک و کفر و دوری از خداوند، وهن دین اسلام و تشیع، محرومیت از برخی نعمت‌ها و ... را در بر دارد. اما سلام با هدف هدایت و نجات بشر و برای ایجاد امتی حق‌گرا و جامعه‌اصیل به شدت با خرافه‌گرایی مبارزه کرده است و آیات و روایات فراوانی به این مسئله و مقابله با آن اهتمام دارد. از جمله راهکارهایی که اسلام برای مقابله با خرافات پیش‌روی ما قرار داده است تفکر و خردورزی، دعا و ذکر، شناخت علل و درمان توسط معلول صحیح، دوری از تلقین بد و توکل به خداوند متعال است.

کلید واژه

خرافه، خرافه‌گرایی، ترس، جهل.

^۱. پریسا اسکندری- طلبه پایه پنجم سطح ۲- حوزه علمیه کوثر قزوین- آدرس ایمیل: Mohamadamin193a@gmail.com

بشر از دیرباز به دنبال آن بوده است که کاستی ها و کمبودهای زندگی فردی و اجتماعی خویش را از بین ببرد و به این منظور به استفاده از روشهای مختلف دست زده است. یکی از مسائل مهم زندگی انسان اعتقادات اوست. چه بسا این مسئله مهم زندگی انسان در خطر بزرگی قرار گیرد و دچار آفاتی شود که جبرانش دشوار و یا حتی غیر ممکن باشد. یکی از آفات اعتقادات ما مسلمانان خرافه و خرافه گرایی است. با ورود خرافه به زندگی ما ضربه سنگینی به اعتقاداتمان وارد می شود. اینجاست که اهمیت و ضرورت این مقاله روشن می گردد. خرافات انسان را از تعقل و اندیشه باز می دارد و او را به سوی خیالات و افکار وهمی می کشاند و او را دچار عقب ماندگی می کند. متأسفانه خرافات و انحرافات بسیاری وارد جامعه مسلمین شده که به شدت نگران کننده است و به عنوان یک باور دینی یا فرهنگ جامعه شناخته شده است و دشمنان اسلام همواره کوشیده اند که مسلمانان را از مسیر حق منحرف سازند. لذا سعی شده است که در این مقاله خرافه و عوامل پیدایش آن و آثار سوئی که به دنبال دارد مورد بررسی قرار گیرد و راهکارهایی از منظر آیات و روایات اسلامی ارائه شود تا دغدغه مندان دین، از آن بهره مند گردند.

معنای خرافه

در فرهنگ لغت های فارسی و عربی برای واژه «خرافه» معانی مشابهی ذکر شده است. در دو لغت نامه فارسی آمده است: «خرافه، آنچه چیده شود از میوه، سخن خشک که از آن خنده آید، افسانه، حدیث دروغ، کلام باطل و افسانه که اصل ندارد، سخن بیهوده و یاوه. خرافات جمع خرافه، حکایت های شب، سخنان پریشان و نامربوط، در تداول فارسی سخنان بیهوده و پریشان که خوشایند باشد، سخنان خوش پریشان^۲».

خرافه نام مردی از قبیله «عذره» بود که از احوال و اسرار اجنه خبر داشته و آنچه را می دید نقل میکرد اما مردم سخنان او را تکذیب می کردند و می گفتند: «هذا حدیث خرافه و هو حدیث مستملح کذب؛ این سخنی است ملیح و شنیدنی اما دروغ^۳». این مطالب در بسیاری از فرهنگ نامه های عربی تکرار شده که می گویند: سخن خرافی به علت این است که خرافه شخصی از بنی عذره یا جهینه بود که جنیان او را ربودند. پس به سوی قومش بازگشت و از آنچه دیده بود سخنانی می گفت که مردم از آن به شگفت می آمدند و او را تکذیب می کردند. سپس بر زبان مردم افتاد و خرافه را به انواع سخنان خنده دار و دروغ اطلاق کردند.

برخی واژه خرافه را واژه ای عربی میدانند که وارد زبان فارسی شده است اما برخی دیگر معتقدند که از فارسی گرفته شده است. در این میان نکته مهم آن است که چه واژه خرافه از عربی گرفته شده باشد و چه در اصل فارسی باشد در بین لغت نامه های عربی و فارسی به معنای «سخن دروغین و باطل» است.

برای معنای اصطلاحی خرافه تعاریف متعددی آمده است که هر کدام اشکالاتی دارد. یکی از تعاریف مناسب تعریف علامه طباطبایی است به ویژه اینکه هم نگاهی به عقل نظری و هم عقل عملی دارد. ایشان آورده اند:

«آراء و عقایدی که انسان برای خود برمی گزیند یا تنها افکار نظری است که مستقیماً و بی واسطه و یا هیچ ربطی به عمل ندارد؛ مانند ریاضیات و طبیعیات و علوم ماوراء الطبیعه یا افکار عملی است که سر و کارش مستقیماً با عمل است؛ مانند مسائل مربوط به خوبی و بدی اعمال و اینکه چه عملی سزاوارتر است انجام شود و چه عملی سزاوار نیست و... در قسم اول اعتقاد به آنچه به حقانیت اش علم نداریم و در قسم دوم اعتقاد به آنچه نمی دانیم خیر است یا شر. چنین اعتقاداتی جزو خرافات است^۴».

اما بهتر است در تعریف خرافه ارکان آن بیاید تا تعریف جامع و مانع باشد. بنابراین تعریف دقیق آن چنین است: «هر اعتقاد و حکم به وجود شیء یا وجود رابطه علت و معلولی بین پدیده ها و اثر گذاری آنها که این اعتقاد ناشی از ترس یا جهل و خطا در برداشت و تفسیر از پدیده هاست و عقل

یا نقل آن را تأیید نکنند، خرافه است و به کسی که به این حکم باور و اعتقاد دارد خرافاتی می گویند.^۵»

روند تاریخی خرافات

با نگاهی به تاریخ خواهیم دید که قبل از بعثت پیامبر اسلام و در زمان انبیاء پیشین، مردم با افکار و عقاید شخصی خود و طبق هواهای نفسانی خود نظر می دادند و با این کار همواره در مسیر حرکت انبیاء و اولیاء الهی مانع ایجاد می کردند. انحرافات و گمراهی مردم در زمان انبیاء بدین جهت بوده که بسیاری از افراد به خاطر تکبر و خودخواهی حاضر نبودند به سخنان انبیاء که همان وحی الهی بود گوش فرا دهند و لذا باعث پیدایش نظریات ابداعی و خارج از محدوده الهی می شدند.

این انحرافات در زمان انبیاء گذشته به شکل های مختلفی وجود داشته است. بیشترین انحرافات اقوام گذشته شرک و بت پرستی بوده است به همین جهت انبیاء، مردم را به توحید و یکتا پرستی فرا می خواندند.

قرآن کریم نیز به برخی از خرافات در زمان جاهلیت اشاره نموده است. از جمله در میان عرب جاهلی معمول بود که بر برخی حیوانات علامت و نامی گذاشته و خوردن گوشت و شیر آن حیوانات و چیدن پشم و سوار شدن بر پشت آنها را ممنوع می ساختند و این حیوانات را رها می کردند به همین جهت خداوند در قرآن می فرماید:

«ما جعل الله من بحیره و لا سائبه و لا وصیله و لا حام و لكن الذین كفروا یفترون علی الله الكذب و اكثرهم لا یعقلون؛ خدا هیچ گونه بحیره و سائبه و وصیله و حام را قرار نداده است ولی کسانی که کافر شدند بر خدا دروغ می بندند و اکثرشان تعقل نمی کنند.»^۶

این یکی از بدعت های عصر جاهلی بود که هم اتلاف مال محسوب می شد و هم اذیت حیوانات و این کار را برای خوشایندی بت هایشان انجام می دادند و علاوه بر این از زراعت و حیوانات دیگر نیز سهمی برای بت ها قرار می دادند.

تایخ اسلام نیز همواره آماج تیرهای دشمنان و منحرفین از صراط حق بوده است. گمراهان و دشمنان اسلام از هر روشی برای کم ارزش کردن دین اسلام و حتی نابودی آن استفاده کرده اند. در زمان رسول اکرم آن حضرت را مجنون و ساحر می خواندند و در زمان های مختلف با روشهای گوناگون علیه این دین مقدس فعالیت کردند. پیامبر اکرم می دانست که این شبهه ها و خرافات برای دین اسلام بسیار خطرناک است لذا در زمان حیاتشان شخصا با انواع خرافات که با مبانی وحی

الهی سازگاری نداشت مقابله می نمود. مثلاً در جریان وفات فرزند بزرگوارش ابراهیم که روز رحلتش با خورشید گرفتگی مصادف بود، بعضی ها چنین برداشت کردند که کسوف خورشید به دلیل مرگ فرزند رسول خداست. رسول اکرم به محض شنیدن این خبر به بلال دستور داد مردم را در مسجد جمع کند. سپس فرمود:

«مرگ فرزند من چه ارتباطی با خورشید گرفتگی دارد؟ خورشید و ماه از نشانه های قدرت و حکمت خداوند است که طبق سنن طبیعی و قوانینی که خدا برای آنها مقرر داشته حرکت می نمایند و برای مرگ و حیات کسی خسوف و کسوف نمی کنند.»^۷

پیامبر اکرم با این کار عملاً با خرافات مقابله نمود و مردم را به تفکر و تعقل و آگاهی نسبت به حوادث طبیعی واداشت و پس از آن نیز همواره مردم را به سوی علم و معرفت دعوت می نمود و از خیالبافی ها، موهومات و افسانه باز می داشت.^۸

اقسام خرافه

خرافات را به طور کلی می توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. خرافاتی که جنبه فردی و عوام پسندانه دارد: اینگونه خرافات عقاید واهی را دربر می گیرد که افراد و اقلیت های خاص در یک جامعه به آن معتقدند و طبعاً زیان رفتارهای ناهنجار و نگرانی های برخاسته از آنها ضمن اینکه مستقیماً به خود آن اشخاص خرافه پرست می رسد، به طور غیر مستقیم دامن اجتماع آنها را نیز می گیرد.

۲. خرافاتی که جنبه اجتماعی و سیاسی دارند: مقصود از خرافات اجتماعی، افکار موهوم و علایق و احساسات غیر منطقی است که اکثریت جامعه به آن معتقد و پایبند هستند و گاه آنگونه از آن هواداری می کنند که برای حفظ و بقایشان حاضرند جان و مال خودشان را فدا کنند. زیان اینگونه پندارها که غالباً به صورت آرمانهای ملی یا شبه دینی جلوه گر می شود، عمومی است.

خرافات سیاسی نیز شامل اندیشه های عوام فریبانه و منحطی است که گروه های افراطی و احزاب خاص و سیاستمداران خود خواه قدرت طلب برای ارضای حس برتری طلبی خویش از آن سود می جویند و با تحریک عواطف به ظاهر مقدس اقوام و طوایف، نظیر دفاع از ملیت و آب و خاک و یا با توجیه فرضیه های شبه علمی چون برتری بیولوژیکی نژادها، به مقاصد توسعه طلبانه خود جامعه عمل می پوشانند.^۹

خرافی که با سوء استفاده های جنسی همراه است ضربه سخت و هولناکی آنان را به تباهی خواهد کشید و این مشکل با هیچ ثروتی قابل جبران نیست.^{۱۸}

اسلام و راهکارهای مقابله با خرافه

اسلام با هدف هدایت بشر و نجات او از اوهام و خرافات، برای به وجود آوردن امتی حق گرا و جامعه ای اصیل، متعالی و آگاه، به مبارزات شدید و گسترده اس پرداخته است.

اسلام به عنوان دین کامل و مکتب الهی با عوامل گرایش به خرافه مبارزه می کند و به جای آن، اموری را بنا نهاده که مبتنی بر عقل و یقین است.

در این بخش راهکارهای مقابله با این عقاید واهی با تکیه بر آیات و روایات بیان می شود:

۱. تفکر و خرد ورزی

قرآن کریم برای مبارزه با خرافه گرایی، انسان را به اندیشیدن دعوت می کند. ضمن ده ها آیه تفکر و اندیشیدن را ستوده و به انسان امر کرده است که در آفرینش خود و خلقت آسمانها و زمین تدبر کند که این تفکر عمیق مانع از سطحی نگری و جهل و نادانی او می شود.

کتاب آسمانی ما از مقام عقل و دانایی تجلیل می کند و افرادی را که اهل تعقل نیستند توبیخ و سرزنش می کند. خدای سبحان می فرماید:

«انّ شرّ الدّوابّ عند الله الصّمّ البکم الذّین لا یعقلون؛ قطعاً بدترین جنبنندگان نزد خدا، کران و لالان هستند که تعقل نمی کنند.»^{۱۹}

روایات اسلامی هم نسبت به این مسئله اهتمام زیادی داشته و مسلمانان را به تفکر و خرد ورزی دعوت کرده اند. رسول خدا در موارد متعددی به فراگیری دانش تاکید کرده است ایشان در حدیثی فرموده اند:

«اطلبوا العلم و لو بالصّین فإنّ طلب العلم فریضه علی کل مسلم انّ الملائکه تضع أجنحتها لطالب العلم رضاً بما یطلب؛ علم را طلب کنید اگر چه در چین باشد. همانا طلب علم بر هر مسلمانی واجب است. ملائکه بال ایشان را به خاطر خشنودی از آنچه طلب می کنند برای طالب علم می گسترانند.»^{۲۰}

بنابراین اگر انسان مطابق دستورات الهی خود را به این صفات و ویژگی ها بیاراید از هر گونه نادانی رها می شود و از گمراهی و انحراف عقیده و عمل نجات می یابد^{۲۱}

۲. دعا و ذکر

یکی از خرافاتی که در اثر جاهلیت رواج داشت خرافات در باب رفع چشم زخم بود. متأسفانه این خرافات تا کنون رواج دارد و امروزه مردم برای رفع چشم زخم به اموری روی می آورند که هیچ دلیل عقلی و شرعی در آن نیست مانند: شکستن تخم مرغ و نام بردن افرادی که احتمال میدهند که چشم زخم از سوی آنها باشد که این امور ساختگی اثری در دفع چشم زخم ندارند. روایات اسلامی انسان ها را از این خرافه ها بر حذر می دارد و از جمله راه های مقابله با چشم زخم را ذکر و دعا می دانند.

۳. توکل به خداوند متعال

توکل بر خدا به این معناست که انسان به هنگام مشکلات و حوادث زندگی و در برابر توطئه های رنگارنگ مخالفان و در بحران ها و بن بست های زندگی به خدا تکیه کند و بداند که مؤثر اصلی و سرچشمه همه قدرتها خداست و با تکیه بر قدرت بی کران او، به راه خود ادامه دهد و از موانع و مشکلات نهراسد.

یک از راههایی که موجب می شود انسان در دام خرافات نیافتد توکل است. چنانچه در آیات و روایات به طور مکرر بر این مطلب تأکید شده است و اینکه انسان می تواند با توکل بر خداوند اثرات خرافه گرایی را از خود دور کرده و به آنها اعتنا نکند.

۴. مستند گویی

برای شناسایی عقاید خرافی از عقاید حقیقی باید به منابع و مدارک معتبر مراجعه کرد و انسان نباید هیچ موضوعی را بدون داشتن دلیل کافی و سند مورد اعتماد بپذیرد.

از رسول اکرم روایت شده است که فرمود:

«هیچ گفتاری بدون عمل، ارزش واقعی خود را ندارد، هیچ گفتار و عملی بدون نیت و هیچ گفتار و عمل و نیتی ارزش واقعی خود را ندارد، مگر آنکه باسنت مطابقت داشته باشد و بر آن منطبق گردد.»^{۲۲}

قرآن کریم هم در این زمینه می فرماید:

«یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم فإن تنازعتم فی شیء فردوه الی الله و الرسول ان کنتم تومنون بالله و الیوم الآخر ذلک خیر و احسن تاویلاً؛ ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا

اطاعت کنید و از رسول و اولو الامر خویش فرمان برید و چون در امری اختلاف کردید به خدا و پیامبرش رجوع کنید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید.»^{۲۳}

آیات و روایات اسلامی ما نشان می دهد که باید عملی را پذیرفت که مورد تایید و مستند به قرآن و احادیث باشد و باید از پذیرش اموری خرافی که مبتنی بر وهم و خیال و بدون استناد به شرع است اجتناب کرد.

۵. دعوت علما به دین و مقابله با خرافات

یکی از وظایف مهم مبلغ دین مبارزه با خرافات و امور ساختگی و نیز بیان فرق بین خرافه و واقعیت است تا مردم دین خدا را جامع و کامل ببینند و بدان عمل کنند. عالم نگهبان دین است که از انحرافات در دین جلوگیری می کند. همانطور که در روایات آمده است او به نجات خود بسنده نمی کند بلکه دیگران را نیز آگاه می کند.^{۲۴}

نتیجه گیری

دانستیم که خرافات اعتقاد به عقیده ای باطل و رابطه نادرست علی و معلولی بین برخی پدیده ها و اثرگذاری آنهاست که ناشی از جهل و خطا می باشد. قرآن کریم عواملی را به عنوان ریشه و منشا خرافات برشمرده است و راهکارهای مفید و موثری برای مقابله با آنها ارائه می دهد. این موضوع می تواند در قالب یک پژوهش گسترده یا چندین کتاب مورد بحث و تحلیل قرار گیرد. به امید روزی که جامعه ای به دور از خرافه همراه با عقاید اصیل و ناب اسلامی داشته باشیم.

پی نوشت ها

۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش - و عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۳ش، ذیل واژه «خرافه» و «خرافات».

۳. حاج سید جواد، احمد صدر و جمعی از نویسندگان، دائرةالمعارف تشیع، ج ۷، صص ۷-۱، ایران، انتشارات حکمت، ۱۳۶۰ش.

۴. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱، ص ۶۳۷، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش.

۵. هادی‌به، منیره، خرافه و خرافه‌زدایی با رویکرد رسانه‌ای، ص ۲۳، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۶۰ ش.
۶. سوره مائده، آیه ۱۰۳.
۷. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، ص ۳۱۳، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۸. سبزی، ابوالفضل، وارونه‌ها و خرافات در آخر الزمان، صص ۱۵-۱۱، قم، ملینا، ۱۳۸۸ ش.
۹. ناصح، علی احمد، دانش، اشکان، مقاله چهارم فصلنامه علمی تخصصی حبل المتین، دوره سوم، شماره ۷، تابستان ۱۳۹۳ ش.
۱۰. سوره انعام، آیه ۱۳۸.
۱۱. سوره نجم، آیات ۲۷ و ۲۸.
۱۲. ناصح، علی احمد، دانش، اشکان، مقاله چهارم فصلنامه علمی تخصصی حبل المتین.
۱۳. سوره بقره، آیه ۱۷۰.
۱۴. سوره صافات، آیات ۶۹ و ۷۰.
۱۵. سوره اعراف، آیات ۱۳۸ و ۱۳۹.
۱۶. هادی به، منیره، خرافه و خرافه‌زدایی با رویکرد رسانه‌ای، صص ۵۱-۴۷.
۱۷. سوره نجم، آیه ۲۳.
۱۸. هادی به، منیره، خرافه و خرافه‌زدایی با رویکرد رسانه‌ای، صص ۶۱-۵۹.
۱۹. سوره انفال، آیه ۲۲.
۲۰. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ص ۲۱۷، تهران، سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۲۴ ش.
۲۱. هادی به، منیره، خرافه و خرافه‌زدایی با رویکرد رسانه‌ای، صص ۷۰-۶۷.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۷۰، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، بیروت، دار الصعب، ۱۴۰۱ ق.

۲۳. سوره نساء، آیه ۵۹.

۲۴. ناصح، علی احمد، دانش، اشکان، مقاله چهارم فصلنامه علمی تخصصی حبل المتین.